

آتشفشان های خشم

تندیس های منفجر شده ای معبد میترا !

برای ما

برای تمام پیکره های زخم برداشته

برای اسارت الهه آزادی

گریه نکنید

ضجه نکشید

ما نمرده ایم

برای بازدید ما به گورستانها مروید

ما را درگورهای دسته جمعی جستجو مکنید

همنویان !

همصدایان !

درین اساس ترین برهه تاریخ

که درب و دیوار و دار و درخت

آسمان و زمین و آدم و هوا

در سرزمین ما

اشغال شده است

تبار از آزادی پرستان

سروران زخم خورده قیام مردمی

در گودال سیاه شده آفتاب

به زنجیراند

آنها هم نمرده اند

برای آنها هم اشک مریزید

شیون مکنید

افراشته کردنان رزم

نشان غرور وطنخواهی شانرا

به چوبه های دار گزاشته اند

دیگر شما به هر چوب و چماقی

دخیل مبندید

خون سروسینه آنها را از رواق

و دیوار های زندان و بازداشتگاه

که تکرار کلمه (آزاد یست)

درفش نبرد مقدس تان بسازید

بس کنید ضجه های دلخوره را

بس کنید رسم شهید پرستی را

برای جانبازان همیشه جاوید

برای جانثاران زنده نام
هرگز اشک مریزید

بردارید گلیم فاتحه را
ببندید راه کاروان تابوت های مشبک را
کی در فصل روئش لاله ها ، شقایق ها
مرثیه میخواند ؟ کی ؟؟

بجای تعزیه و نوجه
بپا شوید
پیش از آنکه معامله گران دون صفت
آن حشره های موذی (سیاه ست)
به فرمان تجزیه گران
خاک مان را توته توته و تباه کنند
و درهر توته آن
گوشت را از ناخن جدا کنند
بپا شوید !

ما از گلوی شما آزادی را
فریاد میکنیم
شما با هر وسیله ممکن
سنگر نبرد آزادیخواهی را
تا پیروزی نهایی
گرم و شعله فشان
نگهدارید

تو میدانی شمامه !
و تو صلصل !
نماد های جلیل از اسطوره خرد بودا
پیکره های فخیم دوران آگاهی و نور
شما میدانید که خیانت چیست ؟
خرد ستیزی کدام است ؟ و وطنفروشی ...
شما آنگاه دانستید که عظمت تاریخ سرزمین ما را
بیگانه ها و بیگانه پرست ها
منفجر ساختند !!؟

شما بوی خیانت را
از گندآب جهل مستدام
از ژرفنای پستی وطنفروشان بی وجدان
از نطفه های سرراهی « هفت ثور »
و « هشت ثور »
از ظهور نسل خراتین « طالبی »
از یورش کرگسان چرکین بال پست پرواز

شنیدید

در آن پگاه خونین
رزم آوران در نبرد برای آزادی
از زنجیر تانکهای دشمنان رنگارنگ وطن
زرهی و جوشن میساختند
و بردژ دژخیمان می تاختند
از همان دم که قوادان نفس آزادی را
با سازش های رزیلانه
با دید و بازدید های پُرشمار از پستی
در خلوت خدعه آمیز عقب دروازه های بسته
در محراب ختور خفتبار
خادع و خادی
دور از چشم ملت
می بُریدند

سلحشوران نفس بیاد دم تیغ داشته اند

آن لشواره های لئیم
طرح به خاک کشیدن سرزمین آباده را
طرح در بند کشیدن یک ملت آزاده را
درکنفرانس نام نهاد (یُن)
کنفرانس (لندن)
روی میز مترسک های منحوس
گذاشتند

این همه برای خمیده گردنان بی وقار
بردگان ارتجاع و سرمایه
بسند نه بود

آن لاشخوران در دور دیگر
با سازش (هفتاد و دو گروه)
از یابوان نعش کش
در نشست بنام کنفرانس (کابل)
برای بار چندم
برگلوی پُرازفریاد آزادی
میخ اسارت و اشغال را
کوبیدند

اما شما پیکره های منفجر شده بودا
بیاد داشته باشید
که آتشفشان های خشم مردم
در نوبان کوره های هستی سوز

در جوشش تنور جنگ آموزی
پولادین پیکان های خواهند شد
برای تیرباران کردن دشمنان آزادی

آی آزادی !